

سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی

دکتر محمود شایگان، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

تجارت و سرمایه‌اندازی و حتی سازمان‌های چندملیتی است. جامعه‌ی مدنی نیز در برآورده‌ی نهادهایی چون سازمان‌های غیردولتی^۷، گروه‌ها و اجتماعات محلی^۸، تشکل‌های داوطلبانه‌ی مردمی^۹، نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی است. هریک از شرکا باید صاحب سرمایه‌هایی باشند. سرمایه‌ی دولت، قدرت سیاسی، و سرمایه‌ی بخش خصوصی، توان مالی و سرمایه‌ی جامعه‌ی مدنی همان سرمایه‌ی اجتماعی است [ایمانی، ۱۳۸۱].

در مقاله‌ی حاضر ابتدا سرمایه‌ی اجتماعی تعریف شده است و مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن معرفی گردیده‌اند. در ادامه، به بررسی اجزای سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته شده و برخی از مهم‌ترین کارکردهای سرمایه‌ی اجتماعی معرفی شده است. از میان این کارکردها، بر رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و آموزش و پرورش تأکید ویژه‌ای صورت گرفته است.

نویسنده به بررسی این موضوع می‌پردازد. مفهوم «سرمایه‌ی اجتماعی» را ابزار مفهومی سودمندی برای تحلیل سیاست‌ها می‌دانند. در واقع، استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه‌حلی قابل اجرا در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه مورد توجه سیاست‌گذاران و مسؤولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است [Warner, 1999].

تحول مهم در عرصه‌ی نظری مدیریت، پیدایش پارادایم جدید تحت عنوان «حکمرانی»^۵ است. براساس این پارادایم، بازیگر عرصه‌ی توسعه، دیگر تنها «دولت» نیست. در کنار دولت، اعم از ملی و محلی، دو بازیگر یا شریک^۶ به نام‌های «جامعه‌ی مدنی» و «بخش خصوصی» وجود دارند. این سه بازیگر باید با مشارکت با یکدیگر به رفع چالش‌های پیچیده‌ی جامعه و توسعه بپردازند. در این رابطه، بخش خصوصی شامل شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ، اتحادیه‌ها و انجمن‌های

در قرن حاضر، اقتصاد رونق یافته، اندازه‌ی دولت رشد قابل توجهی کرده و در مقابل، قدرت شبکه‌های اجتماعی تا حدودی کاهش یافته است. اکنون به نظر می‌رسد که به تعبیر وولف^۱، هم بازار و هم دولت به انسان‌ها به عنوان پیروان قواعد^۲ می‌نگرند، نه قاعده‌سازان.^۳ این تضعیف اجتماع، برای دولت و بازار هم مشکلاتی پدید آورده است.

به دلایل گوناگون، از دولت‌های رفاه کنونی انتقادات شدیدی می‌شود. منظور از آنچه که گیلنر آن را «راه سوم»^۴ می‌نامد، برقراری تعادل مجددی بین حکومت، بازار و اجتماع است. به همین دلیل در دولت‌های امروزی، بحث سرمایه‌ی اجتماعی در کانون مباحث سیاسی قرار دارد. در حال حاضر در کشورها، بحث زیادی در مورد اهمیت اجتماع برای ثبات اجتماعی و انسجام صورت می‌گیرد. این گفتمان ریشه در نگرانی از تغییر ماهیت خانواده و شبکه‌های موجود در اجتماع دارد. صاحب‌نظران متعلق به حوزه‌های

پانامای مفهوم سرمایه اجتماعی و تعریف آن

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی بهره‌جسته‌اند. اما سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟ منظور از سرمایه‌ی اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر (و نوع این ارتباطات) می‌توانند به دست آورند [بورديو، ۱۹۸۶؛ کلمن، ۱۹۸۸؛ و پاتنام، ۱۹۹۳].

ویژگی ذاتی سرمایه‌ی اجتماعی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر پورترز (۱۹۹۸)، درحالی‌که سرمایه‌ی اقتصادی در حساب بانکی افراد و سرمایه‌ی انسانی در درون ذهن افراد قرار دارد، سرمایه‌ی اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداري از سرمایه‌ی اجتماعی، فرد باید با دیگران رابطه داشته باشد و در واقع همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداري فرد از مزایا و امتیازات محسوب می‌شوند. به همین دلیل، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با متغیرهای مهم جامعه‌شناختی نظیر اعتماد، آگاهی، مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی، ارتباط نزدیکی دارد [تاج‌بخش، ۱۳۷۴].

تشابه سرمایه‌ی اجتماعی با دیگر انواع سرمایه در این است که این سرمایه نیز نوعی موجودی انباشته شده، مستلزم سرمایه‌گذاری است و از این سرمایه‌گذاری نیز منافع و عوایدی حاصل می‌شود. اما تفاوت سرمایه‌ی

اجتماعی با سایر انواع سرمایه‌ها در آن است که از سرمایه‌ی اجتماعی در نتیجه‌ی استفاده از آن نه تنها کاسته نمی‌شود، بلکه بدان افزوده می‌شود. به علاوه، ایجاد این نوع سرمایه و خلق آن، مستلزم وجود بیش از یک فرد است. در بررسی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، توجه به نقطه‌نظرات سه تن از محققان حائز اهمیت فراوانی است که عبارتند از: پی‌بورديو، جیمز کلمن، و رابرت پاتنام.

نظریات بورديو

به اعتقاد بورديو، سرمایه می‌تواند در سه شکل متفاوت خود را نشان دهد: «سرمایه‌ی اقتصادی»^{۱۰} که قابل تبدیل به پول است و در شکل حق مالکیت، نهادینه می‌شود. «سرمایه‌ی فرهنگی»^{۱۱} که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه‌ی اقتصادی قابل تبدیل است و در شکل مدارج تحصیلی، نهادینه می‌شود. و بالاخره، «سرمایه اجتماعی» که تحت شرایط خاصی به سرمایه‌ی اقتصادی قابل تبدیل است و در شکل اصالت و شهرت (نام نیک) ممکن است نهادینه شود.

بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی، جزو اولین محققانی بود که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه‌ی اجتماعی پرداخت. براساس تعریف بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه‌ی مالکیت شبکه‌ی یادوامی از روابط نهادی شده بین افراد، و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از

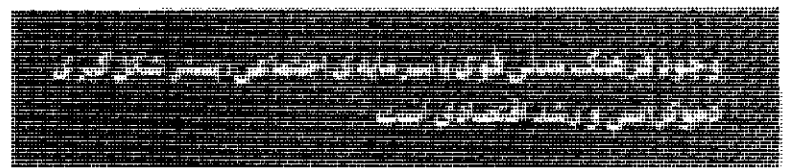
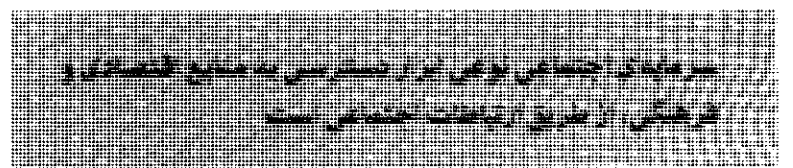
وجود صرف شبکه‌ی پیوندهاست. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای می‌باید از نوع خاصی، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند.

به اعتقاد بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط، ودیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید آن گونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلندمدت، قابل استفاده هستند [بورديو، ۱۹۸۶: ۲۵۶].

پس سرمایه‌ی اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی، از طریق ارتباطات اجتماعی است. تأکید بورديو بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود. تئوری بورديو به فهم این نکته کمک می‌کند که چگونه فرد می‌تواند، با استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی، موقعیت اقتصادی خود را در جامعه بهبود بخشد.

نظریات پاتنام

پاتنام بیش‌تر به تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی در سطح ملی علاقه‌مند است؛ این‌که سرمایه‌ی اجتماعی چه تأثیری بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت بر توسعه‌ی اقتصادی دارد. تعریف پاتنام از سرمایه‌ی اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر کلمن است. پاتنام در تعریف سرمایه‌ی اجتماعی می‌نویسد: «اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازند.» تفاوت اصلی بین پاتنام با کلمن و بورديو در این است که پاتنام این مفهوم را فراتر از سطح فردی و در سطح ملی به کار گرفته است. به اعتقاد پاتنام، شبکه‌های مشارکت مدنی (نظیر انجمن‌های شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و نظیر آن‌ها)، از شکل‌های اساسی



سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند. این شبکه‌ها، هنجار معامله به مثل را در جامعه تقویت می‌کنند.

او در تحقیق تجربی خود در ایتالیا ادعا می‌کند که علت تفاوت عملکرد نهادهای سیاسی و اقتصادی در نواحی گوناگون ایتالیا، تفاوت آن‌ها در زمینه‌ی میزان تحقق «اجتماع مدنی» است. به اعتقاد پاتنام، تفاوت در سرمایه‌ی اجتماعی، علت اصلی ایجاد تفاوت بین مناطق گوناگون در زمینه‌ی اجتماع مدنی است. به عبارت دیگر، مناطق دارای سرمایه‌ی اجتماعی زیاد، دارای اجتماع مدنی زنده و پرشوری هستند و در نتیجه، اقتصاد پررونق و نهادهای سیاسی فعال دارند. ولی مناطق دارای سرمایه‌ی اجتماعی اندک، هم در عرصه‌ی اجتماع، هم در عرصه‌ی اقتصاد و هم در عرصه‌ی سیاست، دچار مشکل هستند.

رابرت پاتنام ۲۵ سال به مطالعه‌ی دموکراسی در ایتالیا پرداخت و دریافت، مناطقی از ایتالیا که دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالایی هستند، توسعه‌ی اقتصادی بیش‌تری نیز دارند و دولت محلی آن‌ها بیش‌تر در مقابل

مردم پاسخگوست. به هر صورت، دموکراسی به سرمایه‌ی اجتماعی نیاز دارد و بدون سرمایه‌ی اجتماعی، درخت دموکراسی خشک می‌شود، یا اصلاً ریشه نمی‌دواند. خلاصه این‌که پاتنام مدعی است، وجود فرهنگ مدنی قوی یا سرمایه‌ی اجتماعی، بستر شکل‌گیری دموکراسی و رشد اقتصادی است.

تعاریف کلمن

کلمن اولین محقق‌ی بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و عملیاتی کردن آن پرداخت. در مقایسه با بورديو، کلمن از مفاهیم دیگری برای تعریف سرمایه‌ی اجتماعی استفاده می‌کند و در چارچوب سنت نظری متفاوتی سخن می‌گوید. کلمن، به جای تعریف سرمایه‌ی اجتماعی برحسب ماهیت و به طور کلی محتوای آن، به کارکرد آن توجه دارد. به اعتقاد او، سرمایه‌ی اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد، با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق می‌کنند یا مانع می‌شوند. اگر فرد الف کاری برای فرد ب انجام داده باشد و اعتماد داشته باشد که فرد ب در آینده این کار را جبران خواهد کرد، این نوعی انتظار را در فرد الف و نوعی تکلیف را برای فرد ب ایجاد می‌کند [کلمن، ۱۹۸۸].

بدین ترتیب، جیمز کلمن، جامعه‌شناسی که به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی و پیامدهای آموزشی و تحصیلی سرمایه‌ی اجتماعی علاقه مند بود، سرمایه‌ی اجتماعی را برحسب کارکرد آن تعریف کرده است: «سرمایه‌ی اجتماعی عنصری مجزا نیست، بلکه مجموعه‌ای از عناصر متفاوت است که دارای ویژگی مشترک هستند: تمام این عناصر دارای برخی از جوانب ساختار اجتماعی

هستند. به علاوه، برخی از کنش‌های افراد واقع در درون ساختار را تسهیل می‌کنند» [کلمن، ۱۹۸۸].

از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه، عمل کند. کلمن وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌های اجرایی کارآمد، روابط مبتنی بر اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند.

به اعتماد کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به سه شکل ظاهر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی دارند. دوم، ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی، تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم آورد، و سوم، وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر باشند.

کلمن به بررسی تأثیر نبود سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و ترک تحصیل پرداخته است. درحالی‌که بورديو پیش‌تر به این نکته علاقه مند بود که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، سبب افزایش سرمایه‌ی اقتصادی می‌شود، کلمن پیش‌تر به درک این نکته علاقه داشت که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی موجود در خانواده و اجتماع، به تشکیل سرمایه‌ی انسانی برای فرد منجر می‌شود.

اجزای سرمایه‌ی اجتماعی

با بررسی ادبیات مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی مشخص می‌شود، این سرمایه دارای دو جزء است:

الف) پیوندهای عینی: نوعی ساختار شبکه‌ای عینی، می‌باید برقرارکننده‌ی ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه‌ی اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

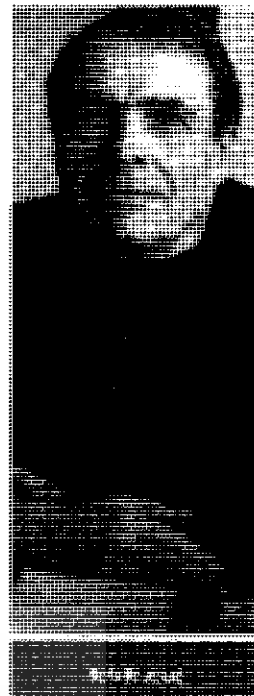
ب) پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد



رابرت پاتنام



رایبوت پانتنام



جیمز کلمن



کشورهایی که دارای اعتماد اجتماعی بالایی هستند، دولت کم تر نیاز پیدا می کند که به این گونه مداخله ها دست بزند. تحقیقات تجربی انجام شده در ایران نیز حاکی از وجود همبستگی مثبت بین سرمایه ی اجتماعی و عملکرد اقتصادی است [حسینی، ۱۳۸۴].

فیروزآبادی نیز در تحقیق خود در شهر تهران به این نتیجه رسید که مناطق دارای سطح توسعه ی اقتصادی بالاتر، از سرمایه ی اجتماعی بیش تری نیز برخوردارند [فیروزآبادی، ۱۳۸۴].

ب) وجود شبکه ها (که از مؤلفه های اصلی سرمایه ی اجتماعی هستند)، به شیوه های متفاوت به کارکرد بهتر بازار کمک می کند

۱. درون شرکت ها، وجود شبکه ها، انجام کار گروهی را تسهیل می کند و مشکلات بین کارکنان و کارفرما را کاهش می دهد. این امر به بهبود کارایی، تقویت نوآوری و افزایش کیفیت محصول نهایی، کمک می کند. بدین دلیل در سال های اخیر، ارتباط بین سرمایه ی اجتماعی و نوآوری در عرصه ی تجارت، به شدت مورد توجه محققان قرار گرفته است.

۲. وجود شبکه ها بین شرکت های تجاری به افزایش اعتماد، کاهش هزینه ها و تسهیل جریان انتقال اطلاعات منجر می شود.

۳. وجود شبکه بین شرکت ها و اجتماعات محلی، فرصتی برای کارمندان و کارکنان فراهم می آورد تا مهارت های نظیر رهبری و حل مسأله را در خود تقویت کنند و به فهم بهتری در مورد نیازهای مشتریان خود دست یابند.

ج) سرمایه ی اجتماعی از راه های متفاوت بر میزان جرائم تأثیر دارد

۱. سرمایه اجتماعی می تواند به ترویج و تقویت هنجارها و ارزش هایی بپردازد که مانع از وقوع رفتار جرم آمیز شوند.

۲. با تقویت پیوندهای اجتماعی و سرمایه ی اجتماعی، ضمانت اجرایی علیه

اطلاعات مفیدی در دسترس باشد. اقتصادی که در آن چنین ویژگی هایی وجود داشته باشد، به سرمایه گذاری در تمام انواع سرمایه، قبول ریسک از سوی مردم، رواج رفتار آنتروپرونی یا کارآفرینی و رقابت کارآمدتر منجر می شود؛ زیرا وقتی هزینه ها پائین باشند، افراد جدیدی می توانند وارد صحنه شوند و وجود اطلاعات مفید، به مصرف کننده امکان مقایسه ی بهتر بین تولیدکنندگان و عرضه کنندگان را می دهد.

وجود رقابت کارآمد خود به نوآوری و تخصیص کارآمد منابع نیز منجر می شود [لندری و دیگران، ۲۰۰۰].

در چنین شرایطی، شکل سازمانی مورد نیاز برای یک اقتصاد مدرن به وجود می آید. فوکویاما معتقد است، شرکت های بزرگ بخش خصوصی به وجود سطح بالایی از اعتماد اجتماعی نیاز دارند. در کشورهایی که این سطح از اعتماد وجود نداشته باشد، احتمال این که شرکت های بزرگ خصوصی بتوانند به صورت خودجوش ظاهر شوند، خیلی کم است و دولت برای پر کردن این شکاف وارد عرصه می شود. برعکس، در

می باید دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانان مثبت باشند.

می توان گفت، سرمایه ی اجتماعی دارای دو جزء «اعتماد»^{۱۲} و «پیوند»^{۱۳} است. این دو جزء، معرف تقسیم بندی سنتی موجود در نظریه ی اجتماعی بین ساختار و محتواست [زیمل، ۱۹۷۱]. و از بعد دیگر می توان گفت که این دو جزء، بیانگر جنبه های کیفی و کمی در سرمایه ی اجتماعی هستند.

کارکردهای بالقوه و بهر ماهی اجتماعی

ادبیات مربوط به سرمایه ی اجتماعی حاکی از آن است که این سرمایه می تواند، مجموعه ای از اثرات اقتصادی و اجتماعی را به بار آورد:

الف) این سرمایه می تواند سطح تولید ملی را افزایش دهد

اگر بازار می خواهد عملکرد کارآمدی داشته باشد، مستلزم آن است که تعریف روشنی از حق مالکیت در جامعه وجود داشته باشد، به راحتی بتوان قراردادها را به اجرا درآورد، هزینه ی انجام امور پائین، و

کسانی که هنجارها و رفتارهای پذیرفته شده را زیر پا می گذارند، فراهم می آید (نظیر ایجاد احساس شرم و گناه توسط همسایگان).

به همین دلیل، در حوزه جرم شناسی، از شبکه های اجتماعی و پیوندها به عنوان مانع وقوع جرم یاد می شود. مطالعات طولی نیز این موضوع را ثابت کرده اند. البته تأثیر سرمایه ی اجتماعی بیش تر بر جلوگیری از وقوع جرائم خشونت آمیز است.

تحقیق کواچی و همکارانش (۱۹۹۷) نشان داد، سرمایه ی اجتماعی با میزان های جرائم خشونت آمیز دارای همبستگی منفی است. هر قدر سطح سرمایه ی اجتماعی پائین تر باشد، میزان جرائم خشونت آمیز نظیر دزدی و قتل بالاتر خواهد بود. جرم شناسان بر این باورند که سرمایه ی اجتماعی پائین با نرخ بالای بزهکاری و جرائم رابطه دارد. براساس «نظریه ی بی سازمانی اجتماعی» [سِمپسون، ۱۹۹۶]، توانایی نظام همسایگی برای کنترل جرم، بستگی به سطح کنترل اجتماعی غیررسمی در محله دارد. از آن سو، میزان تمایل ساکنان محله برای مداخله به منظور حفاظت از منافع جمعی و اموال عمومی، به شرایط اعتماد متقابل و همبستگی اجتماعی بین ساکنان بستگی دارد.

د) سرمایه ی اجتماعی به سلامتی فرد منجر می شود

مطالعات زیادی در کشورهای گوناگون، وجود رابطه ی قوی و مثبتی را بین سرمایه ی اجتماعی (پیوند نزدیک فرد با خانواده و دوستان) و سلامتی ثابت کرده است؛ حتی با کنترل کردن اثر فقر. دور کیم از نخستین محققانی بود که به بررسی رابطه ی بین خودکشی و روابط اجتماعی افراد پرداخت و بین این دو متغیر، رابطه ای قوی مشاهده کرد. وجود روابط اجتماعی گسترده بر سلامت فرد اثر دارد، زیرا بر نحوه ی ادراک او از موقعیت اجتماعی خویش تأثیر می گذارد. سرمایه ی اجتماعی، به خصوص

از نوع پیونددهنده^{۱۱} (یعنی ارتباط نزدیک با خانواده و دوستان)، کمک ملموسی به فرد می کند و به او احساس تعلق می بخشد. نبود این نوع سرمایه باعث احساس انزوا و افسردگی فرد می شود. تحقیقات نشان می دهند، وجود روابط حمایت کننده^{۱۵} اثر زیادی بر فیزیولوژی انسان و نحوه ی عملکرد سیستم ایمنی بدن دارد.

ه) سرمایه ی اجتماعی می تواند به موفقیت شغلی کمک کند

در زمینه ی تأثیر سرمایه ی اجتماعی بر موفقیت شغلی باید گفت، نفوذ قدرت فرد در نظام سازمانی ناشی از عوامل متفاوتی است؛ نظیر: اقتدار رسمی، تخصص، و موقعیت فرد در شبکه های سازمان. در سازمان های امروزی، روز به روز از اهمیت اقتدار رسمی کاسته، و بر اهمیت تخصص و موقعیت فرد در شبکه ها، افزوده می شود. مدیر خوب کسی است که بتواند «شبکه ساز» باشد. مدیرانی که تصویر درست و کاملی از



شبکه های موجود در سازمان خود دارند، در مقایسه با سایر مدیران موفق تر هستند.

تحقیقات سازمانی اخیر نشان داده اند، حدود ۷۰ درصد یادگیری ها در محیط کار، از طریق ارتباطات و تعامل های غیررسمی روی می دهند. به همین خاطر، شرکت های موفق شرکت هایی هستند که به ایجاد و تقویت سرمایه ی اجتماعی در خود همت می ورزند. تبلیغات می تواند آگاهی مردم نسبت به یک محصول یا خدمت را افزایش دهد، ولی عملاً این توصیه ی شخصی و فردی است که به خرید واقعی و عملی کالا منجر می شود. بیش از چهار هزار تحقیق تجربی صورت گرفته در این زمینه نشان می دهند، در گسترش و پخش محصولات یا خدمات، شبکه های اجتماعی نقش برجسته ای دارند.

و) سرمایه ی اجتماعی به کارایی نهادهای دولتی و حکومتی کمک می کند

تحقیقات انجام شده در کشورهای نظیر ایتالیا و آلمان نشان می دهند، در مناطقی که اعتماد بالایی وجود دارد، میزان مشارکت در امور مدنی نیز بالاست و حکومت کیفیت بهتری دارد. در این زمینه توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

اول، در شرایط سرمایه ی اجتماعی بالا، شهروندان جهت گیری معطوف به اجتماع دارند، قانون مدارند و با دولت همکاری بهتری می کنند. اساساً اجرای سیاست ها در جامعه ای که دارای سرمایه ی اجتماعی زیاد است، به راحتی صورت می گیرد و برعکس.

دوم، وجود سرمایه ی اجتماعی، شهروندان را به مصرف کنندگان پیچیده ی سیاست و امور سیاسی تبدیل می کند و به مردم می آموزد که چگونه دولت را برای عمل در جهت منافع اجتماع، تحت فشار قرار دهند. سوم، وجود سرمایه ی اجتماعی سبب می شود تا بوروکرات ها و سیاستمداران همکاری بهتری با هم داشته باشند [نیوتن، ۱۹۹۷].



رابرت پاتنام

کودک و سرمایه‌ی اجتماعی والدین معتقد هستند. کلمن نیز معتقد بود، سرمایه‌ی اجتماعی برای دانش‌آموزان محروم، به‌عنوان نوعی منبع آموزشی مهم عمل می‌کند.

البته کلمن بیش‌تر توجه خود را به سرمایه‌ی اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده بود و بیش‌تر به تأثیر این نوع سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد شناختی دانش‌آموز توجه داشت. به همین دلیل، او معتقد بود که جابه‌جایی جغرافیایی خانواده به سرمایه‌ی اجتماعی خانواده لطمه می‌زند و در نتیجه، بر عملکرد تحصیلی کودک تأثیر منفی می‌گذارد. در سال‌های اخیر، محققان فراوانی به بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند. برای مثال، به اعتقاد لوگلو (2000)، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند اثرات منفی طبقه‌ی اجتماعی پائین و سرمایه‌ی فرهنگی ضعیف را برای کودکان جبران کند. جان فیلد (2003) نیز معتقد است، پیوند نزدیکی بین شبکه‌های اجتماعی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنان وجود دارد.

اجتماعی در پرورش کودکان، هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین بزرگسالان و کودکان است که در رشد کودکان تأثیر ارزشمندی دارند. سرمایه‌ی اجتماعی هم در درون خانواده و هم در بیرون آن، یعنی در اجتماع وجود دارد. خارج از چارچوب خانواده، سرمایه‌ی اجتماعی زمانی در جامعه وجود دارد که فرد بزرگسالی به فعالیت‌های فرزند شخص دیگری علاقه نشان دهد. گاهی اوقات این علاقه می‌تواند به صورت هم‌دردی و گوش دادن به صحبت‌های جوانان باشد. به علاوه، وجود این سرمایه‌ی اجتماعی در خارج از خانواده برای کودکانی که سرمایه‌ی اجتماعی فراوان در خانواده ندارند، بسیار ارزشمند است. نتیجه‌ی تحقیق کلمن و همکاران او نشان می‌دهد، سازمان‌های مذهبی از جمله سازمان‌هایی هستند که در آن‌ها، کودکان و جوانان امکان دسترسی به سرمایه‌ی اجتماعی را دارند.

نتایج یافته‌های جیمز کلمن درخصوص عملکرد تحصیلی، توجه زیادی را جلب کردند، زیرا غیرمترتبه بودند. به‌طور معمول، عالمان اجتماعی فرض می‌کنند، کودکانی که از خانواده‌های متعلق به طبقات بالای اجتماعی-اقتصادی هستند، در مقایسه با کودکان خانواده‌های طبقات پائین، عملکرد تحصیلی بهتری دارند. ولی تحقیقات کلمن عملکرد تحصیلی بهتری را برای گروه‌های قومی در مدرسه‌های مذهبی نشان داد. او به‌طور مشخص به این نتیجه رسید که ترک تحصیل در مدرسه‌های کاتولیک به مراتب پائین‌تر است و دانش‌آموزان این مدرسه‌ها دارای عملکرد تحصیلی بهتری هستند. او در تحلیل یافته‌های خود به تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد تحصیلی اشاره کرد. نتایج تحقیقات بعدی نیز این یافته‌ها را تأیید کردند.

تحقیقات جدید نیز مؤید رابطه‌ی نزدیک بین سرمایه‌ی اجتماعی و عملکرد تحصیلی است [Dika and Singh, 2002]. البته بسیاری از این تحقیقات به پیوند بین موفقیت تحصیلی

تمامی موارد بالا دلالت بر این دارند که وجود شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد، کارایی نهادهای دولتی را بهبود می‌بخشد.

ز) سرمایه‌ی اجتماعی ممکن است، موفقیت تحصیلی را آسان کند و از راه‌های متفاوت سبب تقویت آموزش و تحصیلات فرد شود

بین محققان معاصر، جیمز کلمن بیش‌ترین توجه را به رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و آموزش و پرورش داشته است. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند، به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. کلمن وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در وجود اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌های اجرایی کارآمد، روابط مبتنی بر اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند. پس منظور او از سرمایه‌ی اجتماعی، منابع و امکانات اجتماعی است که کودکان و نوجوانان در خارج از مدرسه، یعنی در محیط خانواده یا اجتماع به آن‌ها دسترسی دارند. این منابع و امکانات همانند دیگر شکل‌های سرمایه (نظیر سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی مادی، سرمایه‌ی فرهنگی و...)، می‌توانند کمک مؤثری برای آموزش و پرورش کودک باشند [شارچ پور، ۱۳۸۳].

به اعتقاد کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در سه جنبه‌ی ساختار اجتماعی یافت: اول) روابط بزرگسالان با کودک؛ دوم) رابطه‌ی بین دو بزرگسالی که دارای روابطی با کودک هستند؛

سوم) استمرار و دوام ساختار در طول زمان [کلمن ۱۹۹۷].

در شرایط امروزی، دیگر شکل‌های سرمایه (نظیر: انسانی، مالی و فیزیکی) به فراوانی در محیط کودک یافت می‌شوند، ولی با کاهش قدرت خانواده و اجتماع، سرمایه‌ی اجتماعی کودک بسیار آسیب دیده است. بدین ترتیب، منظور از سرمایه‌ی

انسان‌ها از طریق برقراری رابطه با یکدیگر و حفظ این روابط در طول زمان، قادر به انجام کارهایی هستند که یا به تنهایی از عهده‌ی انجام آن‌ها برنخواهند آمد و یا با دشواری فراوان قادر به انجام آن‌ها خواهند بود. البته باید توجه داشت، برقراری رابطه بین انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. این شبکه‌ها منابعی هستند که می‌توانند به تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی منجر شوند.

طی چند دهه‌ی گذشته، فرسایش شدیدی در سرمایه‌ی اجتماعی کودکان و نوجوانان، هم در درون خانواده و هم در بیرون از آن، روی داده است. رشد سرمایه‌ی انسانی در درون خانواده بسیار زیاد شده است، به طوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است، ولی به موازات رشد سرمایه‌ی انسانی والدین، سرمایه‌ی اجتماعی که شاخص آن حضور بزرگسالان در خانواده و میزان تبادل نظر درخصوص موضوعات علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین والدین و کودکان است، کاهش یافته است. غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز و اخیراً غیبت مادر از خانواده و ورود او به بازار کار، به معنای کاهش مشارکت والدین در سازمان‌های محلی، نظیر انجمن اولیا و مربیان و... است. در مجموع، سرمایه‌ی اجتماعی موجود برای تعلیم و تربیت کودکان کاهش قابل توجهی داشته است. خلاصه این که نتیجه‌ی آموزش و پرورش هر فرد ناشی از ارتباط دو دسته از ویژگی‌هاست: ویژگی‌هایی که کودک از خانه به مدرسه می‌آورد (نظیر نگرش‌ها، تلاش و تصور از خویش) و ویژگی‌های موجود در مدرسه. در هر دسته از این ویژگی‌ها، خلأ فراوانی از لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی پدید آمده است. کمبود سرمایه‌ی اجتماعی موجود در خانواده و محیط همسایگی را نمی‌توان با جایگزین کردن منابع

مدرسه، جبران کرد. با توجه به تغییر ساختار خانواده و محیط همسایگی، لازم است سرمایه‌گذاری‌های جدیدی برای تأمین سرمایه‌ی اجتماعی نسل آتی صورت پذیرد.

زیر نویس:

1. Wolfe
2. Rule Follower
3. Rule Makers
4. Third Way
5. Governance
6. Partner
7. Non-Governmental Organizations
8. Community Based Organizations
9. Public Voluntary Organizations
10. Economic Capital
11. Cultural Capital
12. Trust
13. Association
14. Bonding
15. Supportive

منابع:

- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱). «فرهنگ مدنی، سرمایه اجتماعی و نقش سازمان‌های غیردولتی در تولید آن»، فصل‌نامه‌ی فرهنگ عمومی، شماره‌ی ۳۱، ص ۵۸-۲۸.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). «سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه». شیراز: تهران.
- حسینی، سید امیرحسین (۱۳۸۴). «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و مهم استان در تولید ناخالص داخلی برای سال ۱۳۷۹». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. استاد راهنما: دکتر زهرا علمی. دانشگاه مازندران.
- شارخ پور، محمود (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش». سمت. تهران.
- فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران». پایان‌نامه‌ی دکترای جامعه‌شناسی. استاد راهنما: دکتر محمدجواد ناطق پور. دانشگاه تهران.
- Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital". In J. Richardson (Ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood Press.
- Coleman, J. S. (1997). "Family, school, and social capital". In L. J. Saha (Ed.), *International encyclopedia of the sociology of education*. Oxford: Pergamon.
- Coleman, J. S. (1988). "Social capital in the creation of human capital". *American Journal of Sociology*. 94: pp: 95-120.
- Dika, S. L., & Singh, K. (2002). "Applications of social capital in educational literature: A critical synthesis". *Review of Educational Research*. 72, 1, pp: 31-60.
- Field, J. (2003). "Social capital". London: Routledge.
- Fukuyama, F. (1995). "Trust: The social virtues and the creation of prosperity". New York: Free Press.
- Giddens, A. (1999). "The consequences of modernity". Stanford, Calif.: Stanford University Press.
- Kawachi, I., B. P. Kennedy, K. Lochner, and D. Prothrow-Stith (1997). "Social capital, income inequality and mortality". *American Journal of Public Health*. 87, pp: 1491-1498.
- Landry, R., Amara, N., & Lamari, M. (2000). "Does social capital determine innovation?" Paper presented at the 4th International mConference on Technology Policy and Innovation. Brazil.
- Lauglo, J. (2000). "Social capital trumping class and cultural capital". In S. Baron et al. (Eds.). *Social capital: Critical perspectives*. Oxford: Oxford University Press.
- Newton, K. (1997). "Social capital and democracy". *American Behavioral Scientist*. Vol.40. No.5, pp: 575-586.
- Portes, A. (1998). "Social capital: Its origins and applications in modern sociology". *Annual Review of Sociology*. 22, pp: 1-24.
- Putnam, R. D. (1993). "Making democracy work: Civic traditions in modern Italy". Princeton. N. J.: Princeton University Press.
- Sampson, R. J. (1996). "The community". In Wilson, J. Q. and J. Petersili (Eds.). *Crime*, Institute for Contemporary Studies. San Francisco. pp: 193-216.
- Simmel, G. (1971). "On individuality and social forms". Chicago: University of Chicago Press.
- Warner, M. (1999). "Social capital construction and the role of the local state". *Rural Sociology*. 63 (3).